 سایت سازمان تبلیغات اسلامی

**دين‌يابي در حوزه تبليغ و تربيت ديني**

 عليرضا مزروعي



هر چند دشمنان سعي مي‌نمايند ناهنجاري‌هاي فرهنگي و اجتماعي چون بدپوشي و تغيير رفتار جوانان و نوجوانان را تابوشکني در حوزه اخلاق و دين‌گريزي در حوزه عقيده معرفي کنند و آن را محصول شکاف و گسست نسل‌ها در جامعه ايران‌، بعنوان يک بحران ايدئولوژيکي جلوه دهند و دين‌ستيزي و گريز از هنجارهاي عقيدتي خصوصاً ميان جوانان و نوجوانان را فضاي غالب در جامعه ايران بنمايانند و به منظور تحت تاثير قراردادن جوانان و نوجوانان و استحاله فرهنگي در عرصه فن‌آوري ارتباطات با بکارگيري حداکثر ظرفيت تکنولوژي جديد رسانه‌اي و امواج چون ماهواره و اينترنت و ده‌ها سايت فارسي زبان از توليد و انتشار مدلهاي فرهنگي از نوع غربي چون اباحه گري و... فروگذار نيستند و هر روز نيز بر تبليغات گسترده و همه جانبه و فراگير رسانه‌هاي خود با استفاده از تکنولوژي مدرن مي‌افزايند.

اما واقعيت اين است که با تامل به عمق لايه‌هاي دروني جامعه بسياري از ناهنجاري‌هاي فرهنگي و اجتماعي چون پديده بدپوشي ميان بسياري از جوانان و نوجوانان نه از رهگذر تابوشکني در حوزه اخلاق و نه رويکرد دين‌گريزي در حوزه عقيده است بلکه با توجه به ويژگي‌ها و زمينه‌هاي تربيتي، عاطفي و احساسي جوانان و نوجوانان مي‌بايست از منظر سوء رفتار ديني مورد مداقه و کارشناسي قرار گيرد.

«بي ديني» در شرايطي است که يک يا چند محور اصلي دين حذف شده و کم‌ارزش مي‌گردد: فرد منکر آنها شده اظهار تنفر مي‌کند و توهين مي‌نمايد و ارزش هاي غير ديني را به آنها ترجيح مي دهد. «سوء رفتار ديني» در شرايطي است كه فرد در عقيده و آراء و ارزش‌ها خود را مسلمان مي‌داند ولي در رفتار به دلايل گوناگون دچار ضعف و مشکل است. تفکيک هر يک از موارد فوق در حوزه جامعه‌شناختي ديني بسيار حائز اهميت مي‌باشد.

اهميت دينداري و تربيت ديني در جامعه اسلامي بر کسي پوشيده نيست. تربيت ديني به معناي متخلق شدن به اخلاق الهي است که هدف بعثت تمام پيامبران مي‌باشد و در نظام اسلامي متعالي‌ترين هدف تلقي مي‌شود.

پيامبر گرامي اسلام نيز هدف اصلي رسالت خود را به‌کمال‌رساندن خلق‌هاي کريم و منش‌هاي بزرگوارانه معرفي کرده است‌:

«بعثت لأتمم مکارم الاخلاق»1

اخلاق نيک و زدودن زشتي‌ها و آراستگي به خوبي‌ها يکي از عوامل مهم بهره‌مندي از سعادت دنيوي و اخروي است.

از نظر قرآن انسان يک تکون و خلقت جسمي دارد و يک انشاء خلقي که اين انشاء‌خلق دوم شخصيت و انسانيت را شکل مي دهد. آنچه متعلق به تعليم و تربيت است همان انشاء خلق ديگر است: «ثم انشأناه خلقاً آخر.» در انسان استعدادهاي بالقوه‌اي نهفته است که بر اثر تعليم و تربيت شکوفا مي‌شود و از انسان خليفه‌الله مي‌سازد‌. از نظر اسلام تعليم و تربيت به انسان بينش مي‌دهد که انسان با آن دست به انتخاب احسن مي زند.

قرآن کريم نيز صراحتاً،‌تعليم و تربيت را يکي از اهداف اساسي بر انگيختن پيامبر اکرم (ص) دانسته و مي فرمايد:

هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوعليهم آياته و يزکيهم و يعلمهم الکتاب والحکمه.2

او کسي است که در ميان جمعيت درس نخوانده رسولي از خودشان برانگيخت که آياتش را به آنان مي خواند و آنان را تزکيه مي کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت مي آموزد و مسلماً پيش از آن در گمراهي آشکاري بودند.

نگاهي به ميراث علمي عالمان برجسته در طول ادوار تاريخ نشان مي دهد که موضوع تربيت و اخلاق به طور ويژه مورد توجه قرار گرفته است.

آثار ارزشمندي مانند «رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا»، «السعاده و الاسعاد في السيره الانسانيه»،‌ «تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق»، «اخلاق ناصري»، «احياء‌علوم الدين»، «المحجه البيضاء في تهذيب الاحياء»، ‌«المراقبات في اعمال السنه»، «جامع السعادات» و ده ها اثر خرد و کلان و در بسياري از کتاب هاي اخلاقي، ابواب خاصي را به بخش هاي مختلف اخلاق کاربردي اختصاصي مي دادند. به عنوان مثال، ‌در کتاب هاي ارزشمند «احياء‌العلوم» و «المحجه البيضاء» مباحثي مانند «اخلاق دانش و دانشجويي»، «اخلاق جنسي»، «اخلاق معيشت» و امثال آن در اهميت موضوع نوشته هاي مستقلي نيز به رشته تحرير در مي آمد. به عنوان مثال، در باب «اخلاق دانشجويي» مي توان به کتاب هاي ارزشمندي چون «‌آداب المتعلمين»، نوشته خواجه نصيرالدين طوسي، «منيه المريد في آداب المفيد و المستفيد»  نوشته شهيد ثاني و «آداب المتعلمين» نوشته ميرزا محمد تنکابني اشاره کرد.

تعليم و تربيت ديني بايد بر سه حوزه شناختي، عاطفي و رفتاري اثر بگذارد. در صورت عدم تحقق اين فرايند جامعه دچار مشکلات جدي فرهنگي مي گردد. تربيت ديني و آسيب شناسي آن، موضوع پيچيده اي است که هر گونه تجويزي براي آن نياز به يک جامع انديشي، ژرف نگري و دين انديشي با احاطه به مبادي معرفت شناسي در حوزه هاي مختلف علوم انساني و تکنولوژي آموزشي و رسانه اي دارد.

ورود به موضوع «آسيب شناسي تربيت ديني» بدون تمايزگذاري ميان رويکردهاي مختلف روش شناختي و قرائت هاي گوناگون دين شناختي در تربيت ديني امکان پذير نيست. بنابراين قبل از هر چيز بايد بين دين «خودبنياد فطري» و دين «دگربنياد عاريه اي» تمايز اساسي قايل شد تا بتوان به سازه ها و انگاره هاي پنهان آسيب شناسي در تربيت ديني پي برد.

پس از تبيين درست روش شناختي و قرائت صحيح دين شناختي در تربيت ديني، مي توان گفت که بهبود نظام تعليم و تربيت به ويژه تحقق تربيت ديني در نسل کنوني و آينده جز از طريق رويکرد سيستمي به شبکه گسترده نظام فرهنگي و آموزشي، آسيب شناسي وضع موجود و شرايط مساعد اجتماعي امکان پذير نيست.

به عبارت ديگر غفلت از همبستگي علي بين عوامل و مؤلفه هاي تربيت ديني در شبکه گسترده فرهنگي و آموزشي شايد از شايع ترين خطاهاي تربيت ديني شمرده شود.

بايد در تجربه تبليغ و تربيت ديني به خوبي بازخواني و بازنمايي کرد؛ اينکه «چرا» و «چگونه» بين «درون داد» و «برون داد»، بين آنچه در مقام تبليغ و ترويج دين و تربيت ديني «قصد» مي شود و آنچه در مقام عمل و رفتار بخشي از نسل جوان و نوجوان «کسب» شده است ناهمگوني و بلکه در پاره اي از موارد «وارونگي» رخ داده است؟ آنجا که تربيت ديني از رهيافت طبيعي،‌فطري و خودانگيخته آن به سوي رهيافت هاي اکتسابي و بيروني سوق داده شده است «آسيب زايي تربيت ديني» بيش از هر زمان رخ نمايي کرده است.

تامل در اين زمينه که آيا شبکه گسترده فرهنگي و آموزشي از شوراي عالي انقلاب فرهنگي و ساير وزارتخانه ها و سازمان ها و نهادهاي مرتبط در امر تعليم و تربيت، فرهنگ و آموزش در جهت تربيت ديني جوانان و نوجوانان توفيق داشته است يا خير، و احياناً چه عواملي و موانعي در برابر تحقق تربيت ديني نسل جوان و نوجوان وجود دارد از ضروريات است.

براي نمونه حجاب از ارزنده ترين نمودهاي فرهنگي، اجتماعي در تمدن ايران اسلامي مي باشد که پيشينه آن به قبل از ورود اسلام مي رسد، اما در فرهنگ اسلامي به اوج تعالي و منتهاي ارزش و اعتبار خود مي رسد.

حجاب و عفاف پديده مذهبي ارزشي مهمي در تعاليم اسلامي مي باشد و توجه به زمينه هاي فرهنگي اجتماعي به عنوان بستر آن بسيار شايسته و لازم مي نمايد و اشاعه و تعميق آن نيازمند آموزش هاي بنيادين و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع است.

بديهي است که در کنار شرايط مساعد اجتماعي براي ارزش تلقي کردن و الگوپذيري اين فرهنگ، نيازمند دروني و نهادينه شدن آن در وجود افراد مي باشد. بدون شک رسيدن به اين هدف نيازمند مشارکت و توجه جدي همه نهادها و دستگاه ها به صورت مستمر و هدفمند مي باشد.3

هر جامعه اي ارزش ها، هنجارها، آداب و رسوم و به طور کلي فرهنگ خود را از طريق فرايند اجتماعي شدن به نسل و نسل هاي بعدي منتقل مي کند.

هدايت فرد در زمينه اجتماعي و فراهم ساختن موجبات رشد اجتماعي ايجاب مي کند که مربيان و پدر و مادر آگاه و به طور کلي مراکز تربيتي و آموزش جامعه، افراد را با ميراث فرهنگي جامعه آشنا سازند و از طريق شرکت دادن افراد در گروه هاي کوچک و بزرگ اجتماعي، براي ايجاد علاقه به حيات جمعي، لذت بردن از زندگي جمعي و ايجاد مهارتهاي اجتماعي به افراد کمک کنند.

فرايند اجتماعي عبارت است از تاثير متقابل افراد و گروههاي اجتماعي بر يکديگر، ‌به طوري که هر فرد يا گروه، محرک فرد يا گروه ديگر شود و در نتيجه، رفتار افراد به صورتي رضايت آميز تغيير کند و حيات جمعي به طور معقول ادامه يابد.4

جامعه شناسان و روان شناسان درباره دين معتقدند که وقتي پيام ديني به افراد عرضه شد و مورد پذيرش قرار گرفت با اهداف و منافع و عقايد پيشين، تربيت خانوادگي و محلي و ملي ترکيب مي شود و خصوصيت ويژه اي پيدا مي کند، نتايج ناخواسته اي را بوجود مي آورد که مورد انتظار نيست. به اين جريان پيامدهاي دينداري گفته مي شود. حال ممکن است اين پيامد مثبت باشد که به آن کارکردهاي مثبت ديني مي گويند و ممکن است پيامدهاي منفي به همراه داشته باشد که به آن کارکردهاي منفي يا آسيب هاي دينداري مي گويند.

بنابراين آسيب ديني يعني بروز و ظهور رفتارهايي که مورد انتظار دين نيست و حتي به اصل دين لطمه مي زند اما از سوي بعضي دينداران انجام مي شود.

حال اين سوال مطرح مي گردد که چرا دينداران دچار آسيب هاي رفتار ديني مي گردند؟ در پاسخ به اين سوال نظرات متعددي ارائه شده است که تنها به نظريه رواني دين اشاره مي گردد: ديدگاه رواني دين معتقد است که انسان ها از نظر ويژگي هاي فردي و رواني تفاوت هاي اساسي دارند.

هر فردي خصوصيات خاص خود را دارد. آموزش هر مسئله اي براي انسان بايد با توجه به ويژگي هاي رواني افراد باشد.5

اگر اين مسئله رعايت نشود امر آموزش و تربيت آسيب زا مي گردد، داستان موسي و شبان در مثنوي مولوي ما را از سيرت اخلاقي و اجتماعي يعني رعايت فهم و استعداد مخاطب آگاه مي کند.

در بيان توجيه الهي و خداشناسي داستان موسي و شبان در مثنوي مولوي نمونه اي از اين شيوه تربيتي است.6

بنابراين يکي از مسائل مهم جامعه امروز چگونگي ارائه مفاهيم محتوا و ارزش هاي مذهبي و ديني و نحوه تفهيم آنها به جوانان و نوجوانان و در غايت اثر بخشي پيام مي باشد.

فطرت انسان و رابطه او با دين

قرآن کريم مي فرمايد :

فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلک الدين القيم و لکن اکثر الناس لا يعلمون.7

پس روي خود را متوجه آيين خالص پروردگار کن! اين فطرتي است که خداوند انسان ها را بر آن آفريده؛ دگرگوني در آفرينش الهي نيست. اين است آيين استوار؛ ولي بيشتر مردم نمي دانند.

علي(ع) در روايتي خطاب به پيشگاه الهي عرضه مي دارد:

اللهم خلقت القلوب علي ارادتک و فطرت العقول علي معرفتک8

خدايا تو قلب ها را با ارادت و محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته اي.

و در دعاي عرفه امام حسين(ع) آمده است:

چگونه از چيزي که در وجودش به تو نيازمند است به تو استدلال مي توان کرد؟ آيا براي غير تو ظهوري هست که براي تو نيست تا آشکارکننده تو باشد؟ تو کي غايب بوده اي تا دليل و راهنما نياز داشته باشي و بر تو دلالت کند و کي دور بوده اي تا آثار و نشانه ها ما را به تو برسانند؟ کور باد ديده اي که تو را با آن نشانه ها حاضر نبيند و قرين زيان باد معامله بنده اي که براي او، بهره اي از دوستي ات را قرار نداده اي.9

در قرآن لغت «فطرت» در مورد انسان و رابطه او با دين آمده است: «فطره الله التي فطر الناس عليها» يعني آنگونه خاص از آفرينش که ما به انسان داده ايم؛‌يعني انسان به گونه اي خاص آفريده شده است. اين کلمه اي که امروز مي گويند «ويژگي هاي انسان» اگر ما براي انسان يک سلسله ويژگي ها در اصل خلقت قائل باشيم، مفهوم فطرت را مي دهد. فطرت انسان يعني ويژگي هايي در اصل خلقت و آفرينش انسان.10

بدون شک تعليمات اسلامي بر اساس قبول يک سلسله فطريات است ؛ يعني همه آن چيزهايي که امروز مسائل انساني و ماوراء حيواني ناميده مي شوند و اسم آنها را «ارزش هاي انساني» مي گذاريم، از نظر معارف اسلامي ريشه اي در نهاد و سرشت انسان دارند؛ که اصالت انسان و انسانيت واقعي انسان در گرو قبول فطريات است. اين، حرف مفت است که ما براي انسان فطريات قائل نشويم يعني ريشه اي در نهاد انسان براي اينها قائل نشويم و دم از «اومانيزم» و اصالت انسان بزنيم.11

هدايت فطري و هدايت به اصطلاح اکتسابي

انسان ها داراي دو گونه هدايت هستند: هدايت فطري و هدايت به اصطلاح اکتسابي و... . قرآن مي خواهد بگويد که تا کسي چراغ هدايت فطري اش روشن نباشد هدايت اکتسابي براي او فايده ندارد.

اين در واقع همان مطلب است که انسان انسانيت فطري خودش را حفظ نکرده باشد [تعلميات انبيا براي او] فايده ندارد، يعني تعليمات انبيا براي اشخاص مسخ شده و انسانيت را از دست داده مفيد نيست. و تجربه و واقعيت نيز همين را نشان مي دهد.12

متخصصين تعليم و تربيت معتقدند که ميزان اعتقاد به دين و ثبات و قوام آن در بزرگسالي به ميزان کارآمدي آموزش هاي ديني در دوران کودکي بستگي دارد. توجه به افزايش آسيب پذيري ديني و مذهبي در ميان نسل جديد در جامعه ما، اهميت توجه به محتواي آموزشهاي مذهبي را بيش از پيش روشن مي نمايد.

از آنجائي که حس دين اساساً در طبيعت و فطرت کودک به وديعه نهاده شده است تنها زمينه سازي رواني عاطفي لازم است تا خود فرد بدون القا و اجبار بيروني به کشف و شکوفايي آن دست يابد و آموزش ها و تعاليم مذهبي نيز بايد در جهت ياري کردن کودک براي چگونگي کشف آن از طريق خويش باشد تا اينکه بطور آماده و از برون در اختيار وي قرار گيرد و در غير اين صورت مطمئناً در پرورش حس مذهبي او اختلال و کندي ايجاد شده، و با ارائه مطالب و مواد صوري ديني انگيزه دروني کنجکاوي ذاتي، عشق وجودي و نياز فطري وي کاهش مي يابد.

‌طبق يک پژوهش به مطالعه  8 مورد از دانش آموزان که به صورت آزادانه و آگاهانه به دفتر مشاوره دبيرستان مراجعه کرده اند و همگي آنان ترديد و نوسان در دينداري و بي ديني داشته اند. در روابط پدر و مادر، مدرسه و ارزش هايي نظير نماز، قرآن، مسجد و... بررسي گرديده و با يک پژوهش باليني دقيق، به اين نتيجه رسيده اند که فرآيند بي ديني با تربيت و اعتقادات ديني سخت، در سال هاي کودکي شروع شده است و در سال هاي بعد پيگيري و توجيه نداشته است.

و در انتها حالت دين با ابهام، ‌تعرض، بيم و اضطراب همراه بوده است که با دروني شدن و افسردگي يا بروني شدن و پرخاشگري همراه بوده است. همچنين ايجاد وسواس هاي فکري اضطرابي در رقابت، حسادت و ترس از مرگ را از عوامل ايجاد کننده فرايند بي ديني در دانش آموزان مي توان ذکر کرد.13

رهاورد و راهکارهاي پژوهش ضرورت بر فطرت الهي انساني در تربيت ديني و آسيب زدايي بي ديني است که بر فطرت الهي انسان تکيه کند . همان فطرتي که در بلوغ و نوجواني آن را با صفات عاقل، بالغ و مختار بودن در معيارهاي دين بيان مي نمائيم.

طرح جهت دار بودن فرآيندهاي ديني را مي توان چنين ترسيم نمود:

فرد با فطرت الهي

فرآيندهاي پوياي تربيت ديني به‌سوي خدا

خدا در فطرت انسان

کنش‌هاي آزادانه، آگاهانه و آفرينندگي

مجتمع‌هاي فرهنگي، آموزشي و پرورشي

آزادي، آگاهي و آفريندگي مطلق

در اينجا براي تقريب ذهن خوانندگان در فهم شفاف از تفاوت «دين يابي» و «دين دهي» مي توان از تمثيل «چاه» و «حوض» بهره گرفت. چاه از درون مي جوشد و توليد کننده آب است. اما حوض از بيرون آب را دريافت مي کند. چشمه جوشان دين جويي و دين يابي در فطرت آدمي به وديعه نهاده شده است، حال آنکه عده اي به تعبير مولوي وابسته به «آب ناوداني» هستند که از برون به آنها مي ريزد!

در دين يابي «حس ديني»، «پرورش» مي يابد و در دين دهي معلومات و محفوظات ديني «گسترش» مي يابد.

در فرآيند تربيت ديني معطوف به رهيافت «دين يابي»، شوق و خوف دروني جايگزين تشويق و تنبيه بيروني مي شود و دين «کنش لذتبخش» خود را در همه ابعاد زندگي توسعه مي دهد، اما در تربيت ديني معطوف به «دين دهي»، کنش هاي آدمي در اخلاق و رفتار بي ريشه و آسيب زا مي شود.14

اگر نيازهاي بنيادي فطري انسان درست تربيت نشود و تنها با قواعد بازدارنده، تحقير، سرزنش و تهديد آن را محدود سازيم، فرد را دچار بيماري ساخته ايم.

فردي متدين پرورده مي شود که در تربيت ديني و سير و سلوک به سوي خدا بر آزادي، آگاهي و آفرينندگي او تکيه کرده باشيم.

از آنجا که يکي از نيازهاي انسان ميل به زيبايي و جمال دوستي است، در تربيت ديني نيز مي توان کمال استفاده مطلوب را از اين گرايش ذاتي نمود. اگر شبکه گسترده فرهنگي و آموزشي و تبليغ تربيتي بتواند پيام خود را به شکلي زيبا و هنرمندانه به مخاطب خود منتقل سازد توانسته است پلي ميان طبيعت بشري (ميل به زيبايي) و تربيت بزند.

توجه قرآن به مسئله جهان و زيبايي و نيز اهتمام تدوين به آن اهتمام بيش از پيش به اين مسئله را در تربيت نسل جوان کشور ضروري مي نمايد.

مي توان گفت کليد تربيت اسلامي عشق است که با جاذبه زيبايي و معنويت مي تواند قلب آدمي را مهياي کمال کند اگر تربيت ديني بر اساس عشق و زيبايي باشد انتظار دريافت پاداش و ترس از مجازات در آن معنا نخواهد داشت واعمال و رفتار ديني بر اساس عشق و علاقه قلبي و شهودي انجام خواهند گرفت.

هدف از تربيت ديني پرورش شور و شوق فطري افراد نسبت به جلال و جمال الهي است. هدف عشق ورزي به دين است نه انتقال دين. نقش خانواده، مدرسه و پيام آوران ديني نيز تنها انتقال و انباشت اطلاعات ديني در ذهن مخاطبين نيست، بلکه ايجاد شرايط مناسبي است که مخاطبين خصوصاً جوانان خود بتوانند به فهم عميق دين نايل شوند و آنان تنها نقش راهنما را دارند.

اگر شيوه تربيت ديني الهام گرفته از شيوه هاي پيامبرانه و خصوصاً پيامبر گرامي اسلام باشد احساس و رغبت ديني در افراد پرورش خواهد يافت.

تربيت ديني امري دروني، شهودي و اشراقي است و از طريق زمينه سازي و مکاشفه حاصل مي شود. پس دين يابي، يک فرايند دروني، فاعلي و شخصي است؛ حال آنکه «دين دهي» يک امر بيروني و اقتباسي است. به نظر مي رسد منشأ تربيت ديني فرآيندي خودانگيخته دارد و ايمان راستين را نمي توان به صورت «تحکمي» و «ساختگي» پديد آورد. بلکه بايد زمينه اي فراهم کرد که فرد بتواند آن را از درون احساس کند و نه اينکه از بيرون اقتباس نمايد.

اگر بتوانيم شيوه «اکتشافي» را در تربيت ديني جايگزين شيوه «اکتسابي» کنيم بسياري از آفات تربيت ديني بر طرف خواهد شد و حس مذهبي مبتني بر ايمان دروني که سرشار از زايندگي، معنايابي و لذت پايان ناپذير است، ايجاد مي گردد.

ما هر نوع اتخاذ روش نادرست و تبليغات صوري و اشباع افراطي «حس نياز ديني» را در جوانان از بين خواهد برد و آنچه را که از دل آنها مي جوشد و فوران مي کند خاموش خواهد کرد. راه برون شدن از اين بن بست تربيت ديني، تغيير روش ها در تبليغات ديني و تربيت ديني است که مکانيزم «خدايابي» را جايگزين «خدادهي» کند. اتخاذ شيوه هاي عرفاني براي آموزش دين و ايجاد زمينه‌هاي دين جويي بسيار حائز اهميت است.

توجه به اين ضرورت‌ها منجر به ايجاد انگيزه هاي دروني در مخاطبين گشته که با استفاده از اين خود انگيختگي و فطرت خداجوي مي توان به تربيت ديني مناسب دست يافت.

**پي‌نوشت‌ها:**

1- محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج 67، باب 59، حديث  18

2- سوره جمعه، آيه2

3- راهکارهاي اجرايي فرهنگ عفاف و حجاب، دبيرخانه شوراي فرهنگ عمومي، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگي و ارشاد اسلامي

4- دکتر علي شريعتمداري، رسالت تربيت و علمي مراکز آموزشي، سازمان مطالعه و تدوين کتب علوم انساني دانشگاه ها

5- همايش آسيب شناسي تربيت ديني، دفتر همکاري مشترک سازمان پژوهش و برنامه ريزي آموزشي و جهاد دانشگاهي ( ساجد )

6- مولوي، مثنوي معنوي

7- سوره روم، آيه30

8- محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج95، ص403

9- شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، دعاي عرفه

10- استاد شهيد مرتضي مطهري، مجموعه آثار جلد3

11- همان

12- همان

13- همايش آسيب شناسي تربيت ديني، دفتر همکاري مشترک سازمان پژوهش و برنامه‌ريزي آموزشي و جهاد دانشگاهي (ساجد)

14- همان/p>

يكشنبه 24 تير 1386 - 14:46